

باسمه تعالی

بحث دوم: ظن ۲

موضوع: حجج و امارات / ظن

خلاصه مباحث گذشته:

در جلسات قبل نظریه شهید صدر به عنوان منطق ذاتی یا حساب احتمالات، بررسی شده و دو نقد به آن وارد شد. در این جلسه نقد سوم در کلام ایشان مطرح می‌شود.

همانطور که گفته شده انگیزه شهید صدر برای ورود به مباحث معرفت‌شناسی، عدم انتاج منطق عقلی در مباحث اعتقادی و کلامی بوده است. ایشان به دنبال روش جایگزینی برای منطق عقلی بوده، که به منطق ذاتی یا حساب احتمالات رسیده است.^۱ به نظر می‌رسد در این زمینه نیز توفیقی حاصل نشده، و منطق ذاتی پاسخگو نیست. به عنوان مثال برهان نظم برای اثبات واجب، در حکمت مورد استفاده نبوده و عقیم است؛ و در کلام از اهمّ براهین است؛ شهید صدر برهان نظم را با منطق ذاتی زنده نموده، و آن را از حالت کلامی خارج، و وارد فلسفه نموده است (یعنی تبدیل به برهان نموده است). توضیح اینکه کتاب «کفایة الاصول» مؤلفی دارد، که ده‌ها هزار کلمه در آن ذکر کرده است. ممکن است ایشان معانی الفاظ را نمی‌دانسته، بلکه از این کلمات را کنار هم گذاشته و اتفاقاً کتاب کفایه به وجود آمده است؛ و ممکن است مؤلف تک تک کلمات را می‌شناخته و معنای جملات و محتوا را می‌دانسته، و همان که در ذهن داشته در کتاب نوشته باشد. احتمال اول با حساب احتمالات بسیار ضعیف است و یک بر چند میلیارد است، و احتمال دوم بسیار قوی می‌شود. لذا با خواندن خط اول برای انسان یقین حاصل می‌شود که مؤلف کتاب معنای جملات را می‌فهمیده است. احتمال خلاف آنقدر ضعیف است که به هیچ ذهنی قابل رؤیت نیست. هیچ انسانی نیست که تردید و شک داشته باشد که مؤلف کتاب معنای الفاظ را می‌دانسته است. اگر به جای آن کتاب از کتاب «جواهر الکلام» در نظر گرفته شود که بسیار بزرگ‌تر است، احتمال خلاف بسیار کوچک‌تر خواهد شد. این نظییری از برهان نظم بر اساس حساب احتمالات است، و اگر به جای کتاب تدوینی، کتاب تکوین در نظر گرفته شود که بسیار بزرگ‌تر از کتاب تدوین است، و جهان بزرگ با این نظم عجیب در نظر گرفته شود، احتمال اتفاق بودن جهان داده نمی‌شود؛ بنابراین یقین به دست می‌آید که جهان ناظمی دارد.

این بیان اشکالاتی دارد که فیلسوفان بیان نموده‌اند، اما اشکال دیگری نیز وجود دارد که بر اساس حساب احتمالات وارد بوده و بر اساس برهان نظم متکلمین، وارد نیست. اگر مؤلف کتاب کفایه و یک کتاب نوشته شده در نظر گرفته شود، یقین به فهم

۱. ایشان در مقدمه کتاب «الفتاوی الواضحة» نیز برای اثبات مباحث اعتقادی، از منطق ذاتی استفاده نموده است.

و شعور مؤلف محقق می‌شود؛ اما اگر گفته مؤلفی با بی‌نهایت کتاب تدوین شده در نظر گرفته شود که فقط یک یا چند کتاب از آنها در دسترس است، بر اساس حساب احتمالات نمی‌توان اثبات شعور برای مؤلف شود؛ زیرا احتمال بی‌شعور بودن مؤلف صفر نشده و صورت کسر احتمالات بی‌نهایت است. یکی از این کتب بی‌نهایت، کتاب کفایه است، لذا امکان دارد این مؤلف تعدادی کتاب معنی‌دار و تعدادی بی‌معنی داشته باشد. مخلوقات الهی نیز طبق نظر فلاسفه بی‌نهایت است (یعنی نوع قدیم بوده و مثلاً هر چه به عقب رویم اولین مورچه معلوم نیست)، لذا احتمال خلاف تبدیل به صفر نخواهد شد.

بحث دوم: ظن

مقصد ششم از کتاب کفایه، بحث حجج و امارات است، که قبل از اصل بحث دو بحث «قطع» و «ظن» مطرح شده است. بحث قطع، خارج از مباحث علم اصول، و بحث ظن داخل مباحث علم اصول است. شهید صدر نیز قبل از ورود به بحث ظن، از «سیره عقلاء» بحث نموده که پشتوانه بحث از ظنون است. سپس وارد بحث از حجیت ظنونی مانند «خبر واحد» و «اجماع» و «شهرت» شده‌اند. علاوه بر این تغییر شهید صدر، بحث یکی از امارات به نام «اطمینان» نیز اضافه می‌شود (که شهید صدر آن را بحث نکرده است). بنابراین دو بحث «اطمینان» و «سیره» به مباحث کفایه اضافه می‌شود، که در ضمن سیره از «سیره عقلائی» و «سیره متشرعه» و «عرف» بحث می‌شود.